



حقوق زوجه و نحوه برخورداری از آن در حقوق افغانستان

چکیده

کانون گرم خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی که اساس آن را یک زن و مرد تشکیل می‌دهند. جهت ثبات و تداوم این اجتماع کوچک لازم است برای هر یک از زن و مرد حقوقی در نظر گرفته شود تا آنان با رعایت آن حقوق بتوانند همدیگر را پذیرفته و در کنارهم زندگی مسالمت آمیز و با صفایی را سپری نمایند. دین مبین اسلام برای هر کدام شان حقوقی را تعریف نموده تا آنان مورد آزار و اذیت هم قرار نگیرند. امروزه کشورها نیز در قوانین داخلی شان حقوقی را برای آنان در نظر گرفته‌اند، که در تحقیق حاضر سعی و تلاش بر آن شده است تا حقوق زوجه و نحوه برخورداری از آن را در حقوق افغانستان مورد بحث و بررسی قرار دهد.

تحقیق حاضر حقوق زوجه را در دو قانون مدنی این کشور که برگرفته از «مجله الاحکام» است، و قانون احوال شخصیه اهل تشیع که به تازگی جزء قوانین رسمی این کشور قرار گرفت، به صورت تطبیقی بحث نموده است. بنابراین مباحث این تحقیق دارای دو بخش می‌باشد. در بخش اول حقوق مالی و غیر مالی زوجه در جریان عقد ازدواج، و در بخش دوم آن حقوق مالی و غیر مالی زوجه پس از طلاق مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: حق، زوجه، عقد، مهر، نفقه، مسکن، ارث و طلاق.

مقدمه

از آنجایی که انسان موجود اجتماعی و مدنی بالطبع بوده، همواره نیاز دارد تا از فردی بودن بیرون آمده و به صورت جمعی زندگی کند. خانواده قدیمی ترین، مهم ترین و اولین نهاد اجتماعی است که از آغاز زندگی بشر وجود داشته است، تشکیل این کانون گرم و صمیمی از ضروریات مهم و اولیه یک انسان است که دین مبین اسلام نیز به آن تاکید فراوانی نموده است.

خداوند در قرآن مجید میفرماید: بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر دانا است. (نور/۳۲)

و همچنان رسول اکرم (ص) می فرماید:

نکاح سنت من است هرکس از سنت من سربیزی نماید از من نیست. (جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۲: ۹)

که این حدیث به اتفاق آراء از دو طریق اهل سنت و اهل تشیع نقل شده است. خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین تعریف مشخصی ندارد اما با توجه به قواعد و مقررات مختلف می شود دو معنی را برای آن در نظر گرفت یکی معنای عام و دیگری معنای خاص.

۱. خانواده به معنای عام عبارت از گروهی است مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او، به عبارت دیگر کسانی که از یک دیگر ارث می برند.

۲. خانواده به معنای خاص یا خانواده مرکزی عبارت است از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنها که معمولاً با هم زندگی میکنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند، معیار و ضابطه تشکیل این خانواده همان ریاست یک شخص بر اعضای آن است که ریاست شوهر و پدر یک نوع وحدت و هماهنگی در امور خانواده و بین اعضای آن ایجاد می کند و از چند نفر یک گروه متجانس میسازد پس خانواده بدین معنی گروهی اند که بین آنها الزام به انفاق وجود دارد و شامل شخص زوج و زوجه و خویشان نسبی خط مستقیم است و نزدیکان خط دورتر، از این خانواده خارج هستند.

در سطح کل خانواده رکن اساسی و طبیعی اجتماع است و حق دارد تا از حمایت جامعه و دولت برخوردار شود، زوجه عضو مهم خانواده است که در تشکیل آن حقوق

و امتیازاتی برای او در نظر گرفته شده است که باید از آن‌ها برخوردار باشد. در این که به چه نحوی از این حقوقش استفاده نماید در فقه و قوانین موضوعه راهکارهای ارائه شده است که با استفاده از آن‌ها می‌تواند از حقوق خودش برخوردار گردد. نوشتار حاضر در بیان آن است تا حقوق زوجه را در فقه و حقوق افغانستان بررسی نماید و این که زوجه دارای چه جایگاهی است آیا علاوه بر این که از نظر شرع حقوقی را داراست برای او در قانون این کشور حق و حقوقی در نظر گرفته شده یا خیر و نحوهای برخورداری از آن‌ها چگونه است آیا زوجه به عنوان یک انسان و عضوی از اعضای یک خانواده در افغانستان از حق و حقوق خود آگاه است یا خیر و اگر آگاه است آیا از آن‌ها بهره مند می‌شود و اگر می‌شود به چند فیصد شان دسترسی دارند. قانون اساسی افغانستان بیان می‌دارد:

هرنوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند. (قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۲)

چارچوب نظری

زوجه به عنوان عضوی از اعضای جامعه از نظر فقه و حقوق افغانستان دارای حقوق و امتیازاتی است، اما متأسفانه فضای موجود در جامعه افغانستان زمینه‌ای برخوردار از این حقوق را کم رنگ و حتی در بعضی موارد آنان را از حقوق شان محروم ساخته‌اند، دلایلی را که در این زمینه می‌توان بر شمرد یکی جهل است که عامل اصلی و مهم هم همین است چون جهل است که فضای جامعه را تاریک و خشونت علیه زنان را بیشتر ساخته است. و دیگری فضای مرد سالاری موجود در این جامعه است که با وجود این دو عامل مردان این مرز و بوم اکثراً مثل دوران جاهلیت زنان شان را از بسیاری از حقوق شان محروم ساخته و می‌سازند بطور مثال حق تحصیل، که در بسیاری از مناطق افغانستان زنان بی سواد هستند. هر چند در این اواخر با فراهم شدن فضای دموکراسی و آزادی بیان زمینه نسبتاً مناسب برای تحصیل آنان فراهم شده است اما باز هم آنان حق تحصیل را به صورت محدود دارند، به این معنی تا زمانی که مردان اجازه بدهند می‌توانند به تحصیل شان ادامه دهند در غیر آن صورت خیر. با این حال برای بسیاری از آنان انگیزه برای تحصیل و بالا بردن سطح فکری وجود ندارد زیرا چنین انگیزه را از پیشینیان شان به میراث برده‌اند.

بخش اول: حقوق زوجه در جریان عقد ازدواج

همین که نکاح به صحت و درستی واقع شد، حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می‌کند که حقوق دانان از آن به «آثار نکاح» تعبیر می‌کنند. قانون مدنی افغانستان در این مورد بیان می‌دارد: «ازدواج عقدی است که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را به وجود می‌آورد.» (ق.م، ماده ۶۰)

گفتار اول: حقوق مالی زوجه

ازدواج تنها یک قرارداد غیر مالی و اخلاقی نیست بلکه دارای برخی جنبه‌های مالی نیز می‌باشد. پس باید آن مال مستقلاً مال زوجه باشد تا بتواند از روی طیب نفس اگر خواست، آن را به شوهرش بذل و یا از او اخذ نماید و گرنه مالی را که بر آن استقلالت نداشته باشد نمی‌تواند آن بذل نماید.

از جنبه‌های مالی ازدواج میتوان مهر، نفقه و ارث را نام برد. چنانچه قانون مدنی افغانستان بیان می‌دارد: «بر نکاح صحیح و نافذ تمام آثار آن از قبیل، نفقه زوجه، حقوق میراث، ثبوت نسب و حرمت مصاهره مرتب میگردد.» (ق.م، ماده ۹۰)

هرچند در این ماده از مهر نامی برده نشده ولی در قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان مهر از جمله آثار عقد نکاح بر شمرده شده و همین طور در مواد دیگر این قانون لزوم مهر بیان شده است.

الف: استقلال مالی زوجه

با استفاده از آیات قرآن میتوان استقلال مالی را برای زوجه بدست آورد، زیرا فرموده است: «اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.» (نساء/۴)

بنابراین زوجه می‌تواند هرگونه تصرف در اموال خود شان بنمایند. و همین طور از قانون مدنی افغانستان از مواد مختلف آن نیز چنین مطلب بدست می‌آید چون در مواد مختلف آن از هریک از مصداق‌های حقوق مالی زن و ضمانت اجرای آن بحث شده است بطور مثال:

«مهر، ملکیت زوجه محسوب میگردد. زوجه می‌تواند در مهر خود هر نوع تصرف مالکانه بنماید.» (ق. م. ماده ۱۱۰) و یا ماده دیگر آن آمده است:

(۱) زوجه بالغه که سن ازدواج قانونی را تکمیل نموده باشد، می‌تواند در حالت صحت و رضای خود مهری را که نقداً تعیین شده باشد، کلا و یا قسماً از ذمه زوج ساقط نماید.

(۲) پدر زوج‌های که سن مندرج ماده (۷۰) این قانون را تکمیل نکرده باشد، به هیچ

صورت نمی‌تواند مهر را از ذمه زوج ساقط نماید.» (پیشین، ماده ۱۰۳) و یا در ماده دیگر میگوید: مهر شرعاً حق زن است و هیچ‌کس به شمول «پدر که ولی دختر خویش است نمی‌تواند مهر دختر خود را قسماً و یا کلاً هبه نماید» (پیشین، ماده ۱۱۳) و از آن درگذرد. همین‌طور سایر مصداقها که ذیلاً بیان می‌گردد.

ب: مهر زوجه

یکی از ارکان عقد ازدواج مهر میباشد که در زبان فارسی به آن «کابین» می‌گویند. این تأسیس از مختصات مذهب اسلام بوده و در حقوق کشورهای غربی وجود ندارد. البته دستور اکید اسلامی برگرفته از سنت نبوی این است که در میزان مهر زیاده روی نشود و مهر بیش از حد متعارف مایه کینه و دشمنی قلمداد شده است. میزان مهریه ی حضرت فاطمه زهرا^(س) نیز ۵۰۰ درهم بوده که مسلمین برای تأسی به پیامبر اکرم^(ص) همین میزان را به عنوان مهرالسنه فاطمه زهرا^(س) قرار دادند. کلمه ی مهر در قرآن کریم به کار نرفته بلکه بعضاً از واژه‌های معادل آن نظیر صداق، نحله، فریضه و اجر (نساء/۴، ۲۴ و بقره/۲۳۷) استفاده شده است. (دیانی، حقوق خانواده: ۱۶۹)

ج: نفقه زوجه

یکی از آثار مالی عقد نکاح قرار گرفتن نفقه بر عهده زوج است. منشأ این حکم آیات قرآن کریم و روایات است.

قرآن کریم: «همانجا که خود سکونت دارید، به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب و زیان مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید. و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر برای شما بچه شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید، و اگر کارتان در این مورد با هم به دشواری کشید زن دیگری بچه را شیر دهد.» (طلاق/۶)

حدیث نبوی: «کسی که وارد بازار شود تحفه‌ای برای عیالش بخرد و به منزل ببرد، ثوابش برابر ثواب کسی است که صدقه برای محتاجان و مستمندان برده باشد و باید در منزل هنگام تقسیم آن تحفه ی زنان و دختران خانواده‌هایش را بر مردان و پسران مقدم بدارد، زیرا هرکس زن یا دختری را خوشحال کند چنان است که بندهای از فرزندان اسماعیل^(ع) را از بند اسارت آزاد کرده است.» (قمی صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶، ۲: ۲۰۱)

د: ارث زوجه

زن و مرد از نظر اسلام، حقوق مساوی دارند، از جمله در کار کردن و کسب مال و

تملك و اصل توارث مشترك‌اند و از يكديگر ارث مي‌برند.
قرآن كريم مي‌فرمايد:

«برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند سهمی است، و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند سهمی خواهد بود، خواه آن مال کم باشد یا زیاد نصیب هرکس مفروض شده است.» (نساء/ ۷)

در این آیه شریفه، تصریح شده که زنان نیز مانند مردان ارث می‌برند و سهم معینی دارند. آیات ارث زمانی نازل شد که زن در جهان، به ویژه در میان اعراب جاهلیت، ارزش و مقامی نداشت. در زمان جاهلیت، مردان از خبر دختردار شدن شرم‌منده میشدند و چه بسا دختران بی‌گناه را زنده به گور می‌کردند. اموال مرده فقط به پسران یا پسر ارشد میرسید و دختران از ارث محروم بودند. مگر اینکه پدر در وصیت خود چیزی برای دختران تعیین کرده باشد، یا برادر در اثر ترحم چیزی به خواهران خود بدهد. از همین رو، وقتی آیه ی ارث نازل شد و برای زنان نیز سهم ارثی تعیین کرد، بعضی مردم از تشریح چنین حکمی تعجب کردند. (امینی، آشنایی با وظایف و حقوق زن: ۸۶)

گفتار دوم: حقوق غیرمالی زن شوهردار

حقوق غیر مالی زن عبارت از آن دسته حقوقی است که حدود و اندازه ی مشخصی را نمیتوان برای آن‌ها در نظر گرفت، زیرا این نوع حقوق در ظاهر و عالم واقع قابل مشاهده نیستند، اما این نوع حقوق را میتوان به عناوین ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. برخورد نیک شوهر در برابر زن
۲. حق تمتع
۳. رعایت عدالت در میان زنان در صورتی که چند همسری مطرح باشد.

الف: برخورد نیک شوهر در برابر زن

از جمله حقوق زن بر شوهرش این است که شوهر نسبت به زن برخورد خوش داشته باشد و حتی از لغزش‌های او بگذرد و به او آزار نرساند و او را کتک نزند. زیرا از طرف اولیای دین در باره دو گروه سفارش اکید شده که آنان ضعیفانند و باید با آن‌ها مدارا شود یکی یتیم و دیگری زن است. در بعضی از روایات وارد شده است که عیال مرد اسیر مرد و تحت نظارت او است باید بر اسیر ترحم نمود. (طاهری، سیری در مسائل خانواده: ۶۴)

مرد وظیفه دارد قدر شناس همسرش باشد و او را نعمتی از جانب خداوند بداند. وی را گرمی داشته، با او مدارا کند، لغزش‌هایش را ببخشد و سخت‌گیری و لجبازی نکند. اسلام چنین برخوردی را از حقوق زن و وظایف شوهر می‌داند. (امینی، آشنایی با وظایف و حقوق زن: ۶۸)

در مورد برخورد نیک شوهر با زن، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «...و با آن‌ها به شایستگی رفتار کنید، و اگر از آنان خوش‌تان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.» (نساء/۱۹)

همچنان روایات فراوانی از رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) در مورد این نوع حق زن وارد شده است، از جمله فرمایشات ذیل:

رسول خدا (ص) فرمود: بهترین شما کسی است که برای اهلیش بهترین باشد و من برای اهلم بهتر از همه شما هستم. (عاملی، وسایل الشیعه، ۱۴:۱۲۲)

ب: حق تمتع

زندگی انسانی ایجاب می‌کند که حق انسان در مسیر فطرت قرار گیرد و از جنبه‌های عاطفی و زیستی مسأله ارضای جنسی نیز مورد توجه قرار گیرد. مرد وظیفه دارد در این رابطه به درخواست زن پاسخ مثبت دهد، در غیر اینصورت گمان لغزش و انحراف می‌رود. معمولاً تن دادن بعضی از زنان به آلودگی، به دلیل عدم ارضای جنسی از طرف شوهرشان است. (طاهری، سیری در مسائل خانواده: ۶۳)

ج: رعایت عدالت در صورت تعدد زوجات

اگر مرد همسران متعددی دارد، در حق تمتع و مضاجعت و مسائل نفقه با همه یکسان برخورد نماید، اینگونه نباشد که همه محبت‌ها و انفاق‌ها را بسوی یک زن متوجه نماید و دیگری را کلاً ترک نماید و به حال خود وا گذارد، که این گناهی بس بزرگ است و اگر کسی بخواهد چنین کند از اول حق ازدواج با زنهای متعدد را ندارد. (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴: ۲۲۱ و ۶۵)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«هرچه از زنان دیگر که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک زن آزاد یا به آنچه از کینزان مالک شده‌اید اکتفاء کنید. این خودداری نزدیکتر است تا به ستم گرایید و بیهوده عیال‌وار گردید.» (نساء/۳)

بخش دوم: حقوق زوجه پس از طلاق

در فصل اول بحث شد که پس از انعقاد عقد ازدواج میان زوج و زوجه، زوجه حقوقی را، اعم از حقوق مالی و غیر مالی مستحق می‌گردد، که باید از آن حقوق بهره‌مند شود. در این فصل نیز حقوق مالی و غیر مالی زوجه پس از طلاق و قطع رابطه زوجیت، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. باید یادآور شد که دین مبین اسلام، طلاق و جدایی زن و شوهر را در شرایطی خاصی تجویز نموده، ولی آنرا عملی منفور و مبعوض می‌داند و در احادیث مذمت شده است.

گفتار اول: حقوق مالی زوجه پس از طلاق

پس از آنکه راه حلی برای سازش و دوام رابطه زوجیت، میان زوجین باقی نماند، و زوج زوجه‌اش را طلاق داد، باید بررسی نمود که حقوق مالی زوجه پس از طلاق و قطع رابطه زوجیت چیست؟ و زوجه از چه حقوقی می‌تواند برخوردار باشد؟ و حقوق افغانستان چه راهکارهای را در این زمینه در نظر گرفته است؟ طلاق طبق قانون احوال شخصیه از حیث رجوع و عدم رجوع شوهر به زوجه‌اش دارای اقسام ذیل می‌باشد:

۱. طلاق رجعی: که انحلال رابطه زوجیت بر انقضاء عده متوقف بوده و زوج می‌تواند در زمان عده به وی رجوع کند و طلاق باطل می‌گردد.
۲. طلاق بائن: که رابطه زوجیت با وقوع آن منحل می‌شود و حق رجوع در آن نیست. (ق. ا. ش، ماده ۱۴۷)

الف: حقوق مالی زوجه پس از طلاق رجعی

در فصل دوم این تحقیق حقوق مالی و غیر مالی زوجه تنها پس از طلاق رجعی و بائن مورد بحث قرار می‌گیرد. گفتیم که طلاق اقسامی دارد، و در این مبحث مفهوم طلاق رجعی، ماهیت رجوع زوج در طلاق و در نهایت حقوق زوجه در طلاق رجعی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مفهوم طلاق رجعی

منظور از طلاق رجعی، طلاقی است که با زوجه‌ی مطلقه نزدیکی انجام شده و زن در شرایطی باشد که در سن عادت ماهیانه قرار داشته باشد در این صورت چنین طلاقی رجعی است، چرا که برای مرد در ایام عده زن، حق رجوع وجود دارد برای اینکه طلاق رجعی باشد، باید دو ویژگی داشته باشد. یکی اینکه بعد از طلاق زن در شرایطی باشد که عده داشته باشد و عده نگهدارد،

بنابراین طلاقى که عدّه ندارد از قبیل طلاق قبل از نزدیکی و طلاق یائسه، طلاق بائن محسوب می‌شوند.

دوم اینکه امکان رجوع در ایام عدّه برای شوهر وجود داشته باشد، بنابراین اگر طلاقى عدّه داشته باشد ولی به دلیل طبیعت ویژه آن امکان رجوع وجود نداشته باشد، مثل طلاق خلع و مبارات و یا طلاق سوم، بائن خواهند بود. (لطفی، حقوق خانواده: ۷۹)

طلاق رجعی آن طلاقى است که زوج می‌تواند در عدّه رجوع کند و به زندگی ادامه دهد؛ مثل طلاق زوجۀ مدخولۀ کبیره. در فرض طلاق رجعی، اگر زوج از حق رجوع استفاده نموده و قبل از پایان عدّه با همسرش آمیزش نماید، آن را اصطلاحاً «طلاق عدی» می‌گویند، و اگر آمیزش صورت نگیرد «غیر عدی» است.

حق زن در طلاق رجعی

طلاق ممکن است قبل از نزدیکی و ممکن است بعد از آن صورت گیرد. در صورتیکه طلاق قبل از نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق نصف مهر خواهد بود، زیرا بعد از انجام عقد زوجه مالک تمامی مهر میگردد. هرگاه طلاق قبل از نزدیکی صورت گیرد نصف مهر، از راه این طلاق به مالکیت زوج بر میگردد و در اصطلاح طلاق در این صورت مملک نصف صداق است. نصف مهر که به زوج بر میگردد، اعم است از نصف مهرالمسمی یا مهری که در نکاح مفوضه‌البضع پس از عقد به تراضی معین کرده باشند.

اگر صداق عین باشد، با وقوع طلاق حالت اشاعه بین زوجین نسبت به عین پدید می‌آید. و اگر صداق در موقع طلاق دین زوج باشد، با وقوع طلاق زوج مالک نصف ما فیالذمه خود شده، یعنی نسبت به نصف صداق ذمه او بری می‌شود.

اگر صداق عین بوده و تلف شود، زوجه موظف است در مثلیات، نیمی از مثل آنرا و در قیمیات، قیمت نصف آنرا به زوج بدهد. انتقال عین صداق از طرف زوجه به ثالث در حکم اتلاف است.

نمائات منفصله مهر مانند نتایج گوسفند یا شیر آن و یا اجاره ی منزل به زوج تعلق نمیگیرد، زیرا تمامی مهر از حین عقد در ملکیت زوجه واقع شده است. ولی نمائات متّصله مهر مانند چاق شدن حیوان طبعاً به نسبت نصف همراه سهم زوج قرار میگیرد. در صورتی که زوج قبل از وقوع طلاق به وسیله زوجه به کلی بری‌الذمه شده باشد، پس از وقوع طلاق زوج می‌تواند نیمی از صداق را مطالبه کند، هرچند چیزی نپرداخته است. زیرا زوجه هنگام ابراء مالک تمامی مهر بوده و آن را یکجا به زوج

۱. واگذار نموده و طلاق موجب جدیدی برای مالکیت زوج نسبت به نصف مهر است. (امامی، حقوق مدنی (امامی)، ۴:۴۰۰-۲۳. یتربی قمی، علی محمد، حقوق

خانواده، : ۸۴)

۲. باید توجه داشت، زنی که به طلاق رجعی طلاق داده می‌شود، مادامی که عده‌ی وی سپری نشده رابطه و پیوند زناشویی میان وی و شوهرش منقطع نمی‌شود و به اصطلاح فقهی مطلقه رجعیه در حکم زوجه است؛ بنابراین متقابلاً:

۱. استحقاق نفقه دارد.

۲. توارث میان آن‌ها برقرار است. (محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده: ۴۲۹)

بنابراین برای معتده از طلاق رجعی نفقه در زمان عده ثابت است، چه آنکه حامل باشد یا حائل

ب: حقوق مالی زوجه پس از طلاق بائن

همانطوری که قبلاً یادآوری گردید، قسم دیگر از اقسام طلاق به نسبت رجوع یا عدم رجوع زوج، طلاق بائن است. که در این مبحث پس از بیان مفهوم، اقسام، و آثار طلاق بائن، حق مالی زوجه در این نوع طلاق مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مفهوم طلاق بائن

قسم دیگر از اقسام طلاق که بر اساس رجوع یا عدم رجوع زوج به زوجه، تقسیم‌بندی شده است، طلاق بائن است. که مرد در آن حق رجوع به زن را ندارد و نمی‌تواند او را بدون عقد مجدد به همسری قبول کند.

بنابراین طلاق بائن، عبارت است از طلاق یائسه و صغیره‌ای که نه‌ساله نشده، و زن غیر مدخول بها ولو از دبر، و طلاق خلع و مبارات با استمرار بذل از همسر، و طلاق زنی که سه بار طلاق داده شده که بین آن‌ها دو رجوع واقع شده، اگر چه رجوع‌ها با عقد جدید صورت گرفته باشد.

(فیاض، محمد اسحاق، رساله توضیح المسائل، مسأله ۲۷۲۸)

اما طبق تعریف دکتر امامی، «طلاق بائن چنانکه نام آن حکایت مینماید عبارت از طلاقی است که بوسیله‌ی آن بین زن و شوهر جدائی می‌افتد و به عبارت دیگر رابطه‌ی زوجیت قطع می‌گردد».

(امامی، حقوق مدنی، ۵: ۴۴)

برخی‌ها طلاق بائن گفته‌اند: بائن آن طلاقی است که زوج نمی‌تواند در عده رجوع کند؛ چون یا اصلاً عده‌ای در کار نیست یا اگر عده هم باشد حق رجوع نیست. مثل طلاق زوجه (غیر مدخوله، یائسه، صغیره، مختلعه و طلاق سوم، ششم، نهم) (طاهری، حقوق مدنی، ۳: ۱۰۸)

نفقه زوجه حامله پس از طلاق بائن

زنی که به طلاق بائن طلاق داده شده باشد، اشکالی نیست که چنین زنی بلکه مطلق جدا شونده ولو آن به سبب فسخ، لعان یا ارتداد زوج از فطرتش باشد، نفقه‌ای بر عهده‌ی زوج ندارد.

همچنان اشکالی نیست در اینکه واجب است بر زوج تا نفقه مطلقه باینه را بپردازد، آنهم در زمانی که او حامله باشد. دلیل مطلب آیه قرآن کریم است که در احکام مطلقات اعم از مطلقات رجعی و بائن بیان گردیده است. «و اگر باردارند خرج‌شان را بدهید تا وضع حمل کنند» (طلاق / ۶)

قانون احوال شخصیه نیز این مطلب را بیان نموده است: «زوجه در عده‌ی طلاق رجعی، ایام حمل در طلاق بائن، و فسخ نکاح، مستحق نفقه می‌باشد.» (ق. ا. ش. ماده ۶۳۱ بند ۳)

۱. در بخش روایات عده از اخبار دلالت دارند بر اینکه اشکالی نیست بر وجوب نفقه مطلقه باین در زمان حمل‌شان. چنانچه از امام علی (ع) روایت شده است که فرمود: «برای مطلقه طبق معروف در زمان عده حق نفقه بر عهده زوج است، بنابراین برای مطلقه حق مسکن و نفقه وجود دارد در صورتی که در زمان عده باشد و حمل هم داشته باشد (در طلاق بائن)، یا حمل نداشته باشد ولی حق مراجعه برای زوج باشد (در طلاق رجعی).» (مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، ۲: ۲۸۹)

گفتار دوم: حقوق غیر مالی زوجه پس از طلاق

پس از بررسی حقوق مالی و غیر مالی زوجه در جریان عقد ازدواج براساس حقوق افغانستان و تطبیق قانون مدنی و قانون احوال شخصیه اهل تشیع در این زمینه و همچنان حقوق مالی زوجه پس از طلاق، در این گفتار حقوق غیر مالی زوجه پس از طلاق بررسی خواهد گردید.

الف: حق رجوع به بذل در طلاق خلع

هرچند بحث رجوع قبلاً گذشت که عبارت بود از بازگرداندن زن طلاق داده شده در زمان عده‌اش به نکاح سابقه‌اش. که این رجوع در ایام عده‌ی طلاق رجعی امکان پذیر است و در صورت تمام شدن عده در طلاق رجعی رجوع زوج به زوجه‌اش امکان پذیر نیست. (خمینی، تحریر الوسیله، ۲: ۳۴۷)

ب: مفهوم و حق حضانت طفل پس از طلاق

تولید مثل و بقاء نسل جزئی از حیات خانواده و دنباله و امتداد رشته‌ی هستی انسان و

مورد نظر اسلام است. وجود کودکان سبب استحکام خانواده و موجب سازگاری زوجین است.

از وظایف والدین حفظ و نگهداری فرزند و تربیت صحیح آنها است که این امر علاوه بر رشد، نیاز به شهامت دارد. در رابطه با اهمیت تربیت و اصلاح فرزندان و اقامه حقوق آنان مسئله در حدی است که همانگونه که اگر فرزند به وظیفه خود در برابر والدین عمل نکنند عاق والدین خواهد بود، اگر والدین هم به وظائف مقرر از طرف شرع عمل نکنند آنها نیز از طرف اولاد خود عاق خواهند شد، این جمله مضمون حدیثی است که از رسول خدا (ص) نقل گردیده است. (عاملی، وسائل الشیعه، ۲۱: ۳۹۰)

نتیجه‌گیری

پس از تحقیق در مورد حقوق زوجه و نحوه برخورداری از آن به این نتیجه می‌رسیم که زوجه هم در جریان عقد ازدواج و هم پس از طلاق از حقوق مالی و غیر مالی برخوردار است. حقوق مالی آن در جریان عقد ازدواج عبارت است از: حق مهریه، حق نفقه و حقوق غیر مالی آن هرچند زیاد است ولی میتوان موارد ذیل را بر شمرد: حق برخورد نیک، حق قسم، حق رعایت عدالت در صورت تعدد زوجات. و همچنان پس از طلاق نیز از دو نوع حقوق مالی و غیر مالی برخوردار است. حقوق مالی آن عبارت است از: حق نفقه در طلاق رجعی، حق ارث در طلاق رجعی و حق مالی زوجه پس از طلاق بائن. و حقوق غیر مالی عبارتند از: حق حضانت، حق رجوع به بذل در طلاق خلع.

منابع:

۱. قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۲
۲. قرآن کریم، سوره نساء آیه‌های ۴ و ۲۴ و سوره بقره آیه ۲۳۷
۳. دیانی، حقوق خانواده.
۴. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشریف الرضی للنشر، قم، ج دوم، ۱۴۰۶ هـ ق،
۵. امینی، آشنایی با وظایف و حقوق زن، ص ۸۶
۶. طاهری، سیری در مسائل خانواده، ص ۶۴
۷. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۲۱، ص ۶۵
۸. لطفی، حقوق خانواده، ص ۷۹
۹. امامی، حقوق مدنی (امامی)، ج ۴، ص ۴۰۰-۲۳. یتربی قمی، علی محمد، حقوق خانواده، سمت، تهران چ ۲، ۱۳۸۸، ص ۸۴
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص ۴۲۹
۱۱. فیاض، محمد اسحاق، رساله توضیح المسائل (فیاض)، در یک جلد، انتشارات مجلسی، قم - ایران، چ اول، ۱۴۲۶ هـ ق، (مسأله ۲۷۲۸)
۲۱. امامی، حقوق مدنی (امامی)، ج ۵، ص: ۴۴
۱۳. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چ دوم، ۱۳۸۵ هـ ق، ج ۲، ص ۲۸۹